عملكرد سازمان ملل متحد در قلمرو حقوق زنان (5 )

احمد رضا توحيدى

فصل سوم: چالش‏هاى فراروى زنان اان‏ديدگاه جامعه بين المللى

حال اين سؤال مطرح است كه آيا سازمان ملل با در دست داشتن اين همه ابزارهاى قانونى و اجرايى، در تحقق مفاهيم و اصول مورد قبول در زمينه حقوق بشر و حقوق زنان موفق بوده است؟

آيا پس از گذشت پنجاه سال از تصويب اعلاميه حقوق بشر مى‏توان كارنامه روشنى از اجراى اصول اعلاميه مزبور در دنيا نشان داد؟

با صرف نظر از آن چه در سال‏هاى متمادى گذشته در گوشه و كنار دنيا بر مردم جهان گذشته و حقوق انسانى آنان زير پا گذاشته شده است، كافى است در همين زمان حاضر كه بحث مسئله حقوق بشر و رعايت همه جانبه آن به اوج خود رسيده است، نظرى بر حوادثى كه در اطرافمان مى‏گذرد بيافكنيم و بنگريم كه چگونه حقوق بشر و اعلاميه جهانى آن كظلزم و مطرود واقع شده و جز در نوشته‏ها و بحث‏هاى تشريفاتى كميته‏ها و كميسيون‏ها جاى ديگر وقعى به آنها گذاشته نمى‏شود. برخى گزارشها كه از سوى ارگان‏هاى سازمان ملل يا ديگر ارگان‏هاى بين المللى منتشر مى‏شود، نشان مى‏دهد كه حتى حقوق اوليه انسانى به نحو وسيعى از طريق قتل و تجاوز، فحشا، قاچاق مواد مخدر به چنگ و استفاده از سلاح‏هاى كشتار جمعى و شيميايى و تبعيض نژادى نقض مى‏شود و اين نقض، روند رو به رشد دارد.

امروزه با همه تبليغاتى كه براى ارتقاى شخصيت زن و برقرارى تساوى كامل حقوق مدنى و سياسى لو با مرد مى‏شنويم و با وجود تصويب كنوانسيونهاى بين المللى و تشكيل كميته‏ها و بحث‏هاى مفصل در اين زمينه، گر چه استقبال گسترده كشورها از اسناد مربوط به حقوق زنان گسترد است و اگر چه اقدامات دولت‏ها توسط نهادهايى هم چون: كميسيون مقام زن، كميته حقوق بشر، كميسيون حقوق بشر از طريق آيين گزارش دهى و الزام دولت‏ها به گزارش، نظارت و بررسى مى‏شود و دولت‏ها و افراد حق دارند نقض حقوق بشر زنان را گزارش نمايند و مراجع دريافت كننده گزارش، اقدامات لازم را در حيطه اختيارات خود انجام مى‏دهند، اما مسئله مهم نوع نگرش و تلقى كشورها به حقوق زنان است، به طورى كه زمينه يكى از مسائل مهم و مورد بحث، داد و ستد زنان و تجارت سكس است.

1- تجاوز نظام يافته به زنان در مناقشات مسلحانه:

يكى از مشكلات حاد بين المللى زنان مسئله تجاوز نظام يافته به زنان در مناقشات مسلحانه است با هدف پاكسازى قومى به طور وحشيانه صورت مى‏پذيرد كه مسلماً برخورد قاطع و جدّى جامعه بين المللى مى‏تواند تأثير مطلوبى در جلوگيرى از ارتكاب به اين اعمال غير انسانى داشته باشد. به طور مثال در دوره جنگ جهانى دوّم، حدود يكصد هزار تا دويست هزار زن به نحوى منظم استخدام يا ربوده شدند و رفتار سبعانه‏اى در موردشان صورت گرفت.

2- كار زنان و مشاركت اقتصادى آنان:

در برخى از كشورها به دليل به كارگيرى برخى ساست‏هاى اقتصادى، سطح مشاركت زنان در نيروى كار افزايش منقى داشته است؛ به صورتى كه افزايش در استخدام زنان اغلب با افزايش دست مزد، ارتقاى شغلى و شرايط كار همراه نبوده است. در بسيارى از موارد، زنان هم چنان با حقوق كم به صورت پاره وقت و امور قرار دادى به كارهايى گرغته مى‏شوند كه مشخصه آن‏ها ناامن و غير بهداشتى بودن و وجود خطرهاى بهداشتى است. در بسيارى از كشورها، زنان به ويژه تازه واردها به بازار كار، هم چنان در ميان نخستين كسانى هستند كه شغل خود را از دست ميدهند و آخرين نفرى هستند كه مجدداً به كار گرفته مى‏شوند.

در اين ميان نكته در خور توجه آن است كه زنان با وجود آنكه تقريباً در همه فعاليت‏هاى اقتصادى شريكان واقعى مردان هستند اما همواره نسبت به مردان از مزد كمترى برخوردارند و فعاليت اقتصادى آن‏ها در آمارهاى رسمى ناديده گرفته مى‏شود و در نتيجه سهم آنان در تصميم‏گيرى‏هاى اقتصادى بسيار ناچيز است.

3- كم توجهى به رشد اخلاقى و پرورش عقايد مذهبى مردم:

در حال حاضر براى تقويت تفكر احترام به حقوق بشر و شناسايى كرامت و حيثيت انسان و رعايت حقوق و آزادى‏هاى ديگران، به رشد اخلافى و پرورش معتقدات مذهبى مردم عنايتى نمى‏شود، بلكه به عكس، به منظور جلوگيرى از تبعيضات مذهبى و تحت عنوان «بردبارى مذهبى» سعى در تضعيف حس مذهبى شده است.

اگر در زمينه پيراستن انديشه مذهبى از خرافات، تعصبات كوركورانه و عدم تحمل ديگران و تبيين و ترويج اخلاقيات و معتقدات مسلم مذهبى در بعد جهانى تلاش مى‏شد، شايد اين همه فجايع ضد بشرى به صورت موجود انجام نمى‏شد.

4- رشد استعمال مواد مخدر در ميان زنان و دختران جوان:

رشد روز افزون مواد تحذير كننده در ميان زنان جوان و دختران، يكى ديگر از مشكلات فراروى آن‏ها مى‏باشد كه هم در كشورهاى توسعه يافته و هم در كشورهاى در حال توسعه، گسترش يافته است كه نياز به تلاش‏هاى فزاينده براى كاهش تقاضا، مبارزه با توليد و تأمين غير قانونى و قاچاق مود مخدر و مواد روان گردان را، افزايش داده است. به طور مثال در حال حاضر از هر 16 هزار زن زندانى در انگليس يك نفر از آن‏ها با قاچاقچيان مواد مخدر همكارى داشته‏اند.البته تعداد زيادى از اين زنان از مادران جوان اهل جزاير كارائيب مى‏باشند كه با تهديد و ارعاب قاچاقچيان مواد مخدر موسوم به باند «ياردى‏ها» وادار به حمل مواد مخدر شده‏اند.

5- اثر منفى افزايش هزينه تسليحات نظامى:

هزينه‏هاى زايد نظامى به كاهش روند توسعه اجتماعى و در نتيجه پيشرفت و توسعه زنان منجر مى‏گردد و خود، عاملى براى ايجاد تشنج و درگيرى مسلحانه - كه بيشتر، زنان و كودكان را متأثر مى‏سازد - به حساب مى‏آيد، لذا كاهش اين هزينه‏ها و كنترل تسليحات و به طور كلى خلع سلاح عمومى و كامل، تحت بازرسى قاطع و مؤثر بين المللى بايد در مد نظر باشد تا جهان به صلحث پايدار دست يابد كه از جنگ و خشونت در آن اثرى نباشد.

6- هرزه نگارى زنان و كودكان:

يكى از مواردى كه در اعلاميه رفع خشونت عليه زنان نيامده است، ولى دقيقاً با تعريف خشونت عليه زنان منطبق است و گزارش گر ويژه خشونت عليه زنان، آن را يكى از موارد خشونت عليه زنان در جامعه به حساب آورده است، پور نوگرافى يا هرزه نگارى زنان و كودكان است كه به شديدترين وجه ممكن به تحقير و سوء استفاده جنسى از زنان پرداخته و تأثيرات مخرب و منفى بسيارى نيز در كودكان و نوجوانان و نيز مشاركت زنان در جوامع مى‏گذارد ضمن آن كه امروزه يكى از علت‏هاى خريد و فروش زنان و كودكان و استثمار آن‏ها و نيز به فحشا كشاندن آن‏ها، همين صنعت است.

7- كمبود و ضعف امكانات علمى و آموزشى:

از آن جايى كه علم و فن آورى، اجزاء بنيادين توسعه، در حال ايجاد تحول در الگوهاى توليد هستند و همين امر به ايجاد شغل و طببقه بندى‏هاى جديد مشاغل، و روشهاى كار و ايجاد جامعهاى بر اساس دانش كمك كرده است، اگر زنان از دسترسى برابر و آموزش كافى برخوردار باشند، تحولات فن آورانه ميتوانند فرصتهاى تازهاى را براى همه زنان در همه زمينها فراهم سازند.

8- مهاجرت و پناهندگى زنان:

از ديگر مشكلات مهم و مطرح زنان، تغيير آهسته الگوهاى پديده مهاجرت كارگران است زيرا زنان و دختران به طور روز افزونى در مهاحرت كار داخلى، منطقه‏اى و بين المللى درگير هستند تا در پى مشاغل، عمدتا" در كشاورزى، كار خانگى و برخى از اشكال سرگرمى‏ها باشند. در حالى كه اين وضعيت، فرصتهاى در آمد زدايى آنان و خود اتكايى شان را افزايش ميدهد، اما اين زنان مهاجر به ويژه افراد فقير تحصيل نكرده، غير ماهر و يا مهاجران ثبت نشده (غير قانونى) را در معرض شرايط كارى نا مناسب، همراه با خطرهاى فزاينده براى سلامتى شان، خطر خريد و فروش آنان، استثمار اقتصادى و جنسى، نژاد پرستى، تبعيض و بيگانه ستيزى و ديگر شكلهاى سوء استفاده قرار ميدهد، كه اين امر مانع برخوردارى آنان از حقوق انسانى شان است، مى‏شود.

9- بيمارى ايدزHIV

مشكل بعدى رشد سريع بيمارى عالم گير ايدز، به ويژه در كشورهاى در حال توسعه است كه آثار مخربى بر زنان داشته است؛ زيرا آنان از نظر جسمى آسان‏تر از مردان آلوده مى‏شوند و فشارهاى اجتماعى، رسوم فرهنگى، خشونت، سركوب ارزش‏ها و رفتارهاى غالب كار دفاع از خود را براى آن‏ها دشوار يا ناممكن مى‏كند.

فشار سنگين ناشى از مراقبت از افرادى كه دچار بيمارى ايدز هستند و كودكانى كه به واسطه ايدز يتيم شده‏اند، به عنده زنان است؛ زيرا زير بناهاى موجود براى پاسخ گويى به چالش‏هاى مطرح شده، كافى نيستند. زنانى كه مبتلا به ايدز هستند، از تبعيض رنج مى‏برند و اغلب قربانى خشونت مى‏شوند.

10- فقر و زنان:

فقر و تبعيض جنسى دو پديد همزاد هستند كه از نسلى به نسل ديگر تكثير مى‏شود. به همين دليل، با تضمين برخوردارى كودك از مراقبت‏هاى مناسب در سنين اوليه زندگى براساس برابرى جنسى، در واقع گام مهمى در جهت رفع محدوديت از زنان و دختران جهان و شكوفايى خلاقيتهاى نوين آنان برداشته خواهد شد.(1)

به علاوه نابرابرى‏ها و ناهممگونى‏هاى جنسيتى در مشاركت در قدرت اقتصادى، توزيع نابرابر كار بى‏مزد بين زنان و مردان، فقدان حمايت فن آورانه و مالى براى فعاليت‏هاى اقتصادى زنان (كار آفرينى زنان)، دسترسى نداشتن برابر به سرمايه و منابع به ويژه زمين و اعتبارات و كنترل بر آنها، و دست رسى به بازارهاى كار و نيز رويه‏هاى زيان آور سنتى و متداول، مانع از توان‏مند شدن اقتصادى زنان شده است و زنانه شدن فقر را تشديد كرده است. هم چنين اصلاح بنيادى ساختارهاى اقتصادى توسط كشورهايى با اقتصاد در حال گذار، به فقدان منابع براى برنامه‏هاى فقر زدايى با هدف توان‏مند سازى زنان، منجر شده است.

11- خشونت و تبعيض عليه زنان:

شناخت ناكافى از علل ريشه‏اى همه شكل‏هاى خشونت عليه زنان و دختران، مانع از به نتيجه رسيدن تلاش هايى است كه براى رفع خشونت از زنان و دختران صورت مى‏گيرد. داده‏هاى ناكافى در خصوص خشونت، مانع ديگرى در راه تحليل و سياست گذارى آگاهانه است. نگرش‏هاى تبعيض‏آميز اجتماعى - فرهنگى و نابرابرى‏هاى اقتصادى، جايگاه فرعى زنان را در جامعه تقويت مى‏كند. اين باعص مى‏شود كه زنان و دختران به بسيارى از شكل‏هاى خشونت، نظير خشونت جسمى، جنسى و روانى كه در خانواده رخ مى‏دهد، آسيب‏پذير شوند. خشونت هايى نظير كتك زدن، سوء استفاده جنسى از دختر بچه‏ها در خانه، خشونت مربوط به مهريه، زناى محارم و .

نكته اين جا است كه در بسيارى از كشورها، رويكردى هماهنگ براى واكنش در برابر خشونت، شامل نظام بهذاشتى، محل‏هاى كار، رسانه‏ها، نظام آموزشى و نيز نظام دادرسى و قضايى، وجود ندارد.

با بروز گسستگى در محيطهاى خانوادگى و از ميان رفتن كنترل‏هاى اجتماعى، قشرى از مردان به طور فزاينده، قدرت حمايت از فرزندان و حريم خانواده خود را نداشته و با توسل به خشونت، زنان، دختران و حتى مادر و خواهران خود را مورد آزار و اذيت قرار ميدهند. بسيارى از مردان به ويژه در جهان شرق، با آموزش هايى كه در مانواده پدرى خود مى‏بينند و بر اساس الگوهاى سنتى كه مرد را انسانى قوى، زورگو، پرخاش گر و بى‏احساس معرفى مى‏كند، مى‏پندارند كه اعمال خشونت نسبت به زن جزيى از حقوق طبيعى و بديهى آن هاست و عجيب و تأسف آور اينكه در تربيت و پرورش تعداد زيادى از اين مردا و القاى اين طرز تفكر، خود زنان در نقش مادر بيش‏ترين سهم را دارند.

12- تصاوير منقى زنان در رسانه‏ها:

تصاوير خشونت‏آميز با تصاوير تحقير كننده زنان در رسانه‏ها از جمله هرزه نگارى و نمايش بصاوير كليشه‏اى به صورت‏هاى مختلف، يا به كارگيرى فن آورى‏هاى ارتباطى جديد افزايش يافته است هم چنين فقر، نبود دسترسى و فرصت‏ها، بى‏سوادى، فقدان سواد رايانه‏اى و موانع زبانى، باعث مى‏شود تا برخى از زنان نتوانند از فو آورى‏هاى اطلاعاتى و ارتباطس و از جمله اينترنت بهره ببرند.

13- مؤخره

با توجه به اينكه سازمان ملل، سالهاى 1995 - 2004 را دهه آموزش حقوق بشر اعلام كرده است و از آن جا كه ناآگاهى همه انسانها، به ويژه زنان از اين حقوق آن‏ها را از برخوردارى كامل از آن حقوق باز مى‏دارد، لذا آگاه سازى عموم، سواد آموزى حقوقى و ارتقاى فرهنگ حقوق بشر، توسعه و صلح از طريق هماهنگى و همكارى با گروه‏هاى محلى و منطقه‏اى و سازمان‏هاى غير دولتى و نيز رسانه‏ها در سراسر جهان براى اجراى برنامه هايى در زمينه آموزش حقوق بشر مى‏توانند مؤثر باشند.

البته نكته مهم و قابل توجه آن است كه در سير تكاملى حمايت از حقوق زنان مى‏بايست به آداب و سنن ملى كشورها و نقش اخلاق و مذهب به عنوان عامل تحكيم بخش خانواده و روابط انسانى افراد جامعه مورد توجه خاص قرار بگيرد. از طرفى كشورهاى جهان سوم و در حال توسعه با ايجاد گروههاى منطقه‏اى در برابر موج يك طرفه افكار، عقايد، ارزش‏ها و روابط حقوقى دول صنعتى و پيشرفته با موضعى فعال و منتقد برخورد نمايند.

1) كارول بلامى «زمان كاشتن»، پيشرفت ملتها 2000، ص 11.